گفت‌وگوی کیهان با دبیر مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و رئیس جامعۀ المصطفی العالمیه

اعدام شیخ نمر آتش جبهه مقاومت را شدیدتر می‌کند

■ مجتبی برزگر

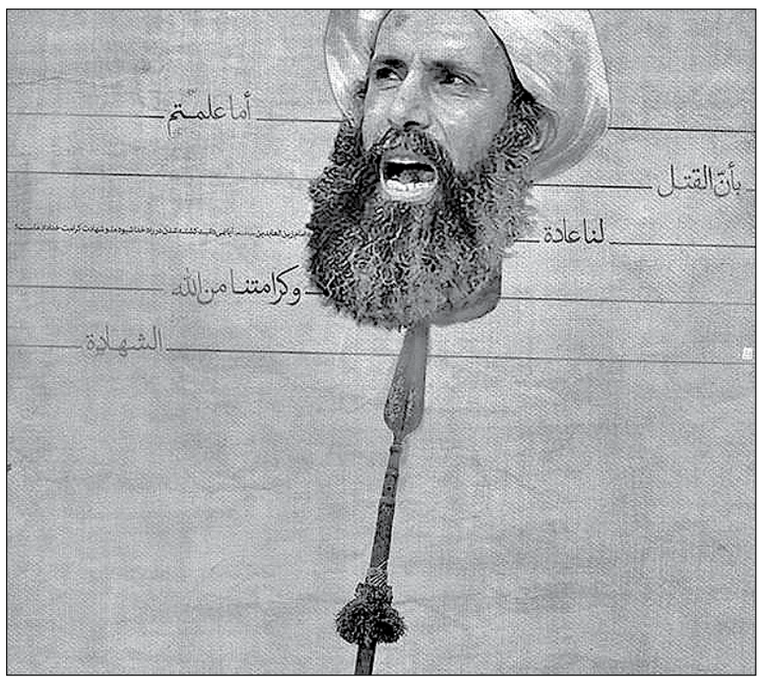

خبر شهادت آیت‌الله نمر وقتی به واسطه قرائت بیانیه وزارت کشور رژیم آل سعود در شبکه العربیه بیان شد، غم و اندوه را برای همه آزادگان جهان به ارمغان آورد؛ «۴۷تروریست در ساعات اولیه دوم ژانویه ۲۰۱۶ (۱۳۹۴/۱۰/۱۲) به دار آویخته شدند»! در این فهرست نام روحانی مجاهد عربستانی، شیخ نمر باقر النمر که با اتهامات مربوط به فعالیت‌های سیاسی و حقوق بشری در زندان آل‌سعود به سر می‌برد هم قرار داشت. در این بیانیه، سعودی‌ها، شیخ نمر را مبلّغ فتنه و تفرقه خواندند؛ در حالی که ایشان تنها برای احقاق حقوق مشروع شیعیان و رفع تبعیض و بی‌عدالتی در عربستان مبارزه کردند. البته پیش از این هم حاکمان سعودی چندین مرتبه قصد از میان بردن این عالم را داشتند اما هر دفعه به دلیل ترس از قیام مردم به تعویق افتاد. تا این که این حکم از سوی سلمان‌بن‌عبدالعزیز صادر شد و این روحانی برجسته شیعی به شهادت رسید؛ اعدامی که برای همه دور از انتظار بود و ناظران و تحلیلگران بین‌المللی را شوکه کرد. به ظنّ سیاستمداران و تحلیلگران علت این اقدام رژیم آل‌سعود بی‌خردی و کم‌تجربگی در طرح این راهبرد غلط بوده است.

در این مجال با آیت‌الله محسن اراکی دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و آیت‌الله علیرضا اعرافی رئیس جامعۀ المصطفی العالمیه و امام جمعه موقت قم پیرامون نقش‌آفرینی این عالم شیعه در تقویت مقاومت جهانی به گفت‌وگو نشستیم.

جایگاه شیخ نمر در عربستان

آیت‌الله اراکی گفت: علامه شهید آیت‌الله نمر از علمای برجسته عربستان بودند که مردم و علمای منطقه، حوزه علمیه قم و نجف به ایشان علاقه داشتند. این مجاهد شهید از لحاظ تقوا و صفای نفس در مرتبه بسیار بالایی بودند؛ همین توجه به تقوا، ایشان را واداشت که در دفاع از حق و در مقابله با طاغوت، جسورانه و شجاعت‌طلبانه وارد میدان شود. شجاعت یکی از ویژگی‌هایی بود که باعث شد ایشان در بین مردم عربستان خاصه شیعیان جایگاه بسیار ویژه‌ای پیدا کنند. البته محبوبیت ایشان خاص شیعیان نبود و قشر عظیمی از مردم محروم و مظلوم عربستان که از اهل سنت و یا از طوایف دیگر هستند را دربر می‌گیرد. لذا این عملی که آل‌سعود انجام داده بیش از آن‌که در نظر جهانیان و مردم مسلمان سایر کشورها تنفر ایجاد کند در نزد خود مردم عربستان اثرات نفرت، ملموس‌تر است. البته درگذشته هم مردم از این طاغوت ظالم، نفرت داشته‌اند! اگر در عربستان به مردم اجازه اظهارنظر بدهند، معلوم می‌شود تا چه حدی مردم چه شیعه و چه سنی، چه اسماعیلی و چه طوایف مختلفی که در عربستان زندگی می‌کنند نسبت به آل سعود و رفتارهای آل سعود، نفرت دارند. البته این نفرت در سراسر جهان وجود دارد؛ حتی در کشورهای غیراسلامی و کشورهای غربی، مردمی که از رفتارهای ظالمانه و جنایات آل‌سعود آگاهی دارند این نفرت، همگانی و فراگیر است. شاید اگر ادعا کنیم منفورترین خاندان سلطنتی و منفورترین رژیم حکومتی در سراسر دنیا نزد عامه مردم دنیا، رژیم آل سعود و طاغوت‌های آل سعود هستند مبالغه نکرده‌ایم.

*** آیت‌الله اراکی: شهید نمر توانست پرده تزویر آل‌سعود را بدرد و چهره کریه آل سعود را در سطح جهان به نمایش بگذارد. به نظر می‌رسد ما باید در انتظار یک وضعیت جدیدی برای آل‌سعود در سطح دنیا باشیم؛ چرا که به تدریج، افکار عمومی در سراسر جهان علیه آل‌سعود برانگیخته خواهد شد.**

نقش شیخ نمر در مقاومت جهانی

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی افزود: شیخ نمر با شجاعتی که از خود نشان داد پرده تزویر آل سعود را پاره کرد. یکی از سیاست‌های کلی رژیم آل‌سعود سیاست تبلیغی فریبکارانه گسترده است، چه در داخل و چه در خارج عربستان؛ با این فریبکاری سعی دارند اولاً جنایت‌ها و فسادهای سریالی اخلاقی آل‌سعود را پنهان کنند. واقعاً همه مردم دنیا می‌دانند در میان سیاستمداران و خاندان‌های حکومتی و دیپلماتیک خاندانی کثیف‌تر، آلوده‌تر و فاسدتر از خاندان عربستان نداریم. همین سه ماه پیش یکی از فرزندان خاندان سلطنتی آل سعود در لبنان دستگیر شد و اتفاقاً نتوانستند با صرف پول این مسئله را پنهان کنند. حادثه‌ای که از باب اتفاق فاش شد؛ وگر نه امثال این اتفاق در جاهای مختلف دنیا برای این‌ها رخ می‌دهد؛ در فرانسه چقدر این‌ها فساد راه انداختند؛ چه فسادهایی در آمریکا، چه فسادهایی در بریتانیا، چه فسادهایی در شمال آفریقا مخصوصاً مراکش که کم و بیش این فسادهای گسترده بین بعضی از مردمی که با آن‌ها ارتباط دارند، مشهود شده ولی آن‌ها سعی کردند با به کارگیری پول، رشوه و احیاناً زور و این‌گونه شیوه‌ها، پرده‌پوشی کنند. در واقع ظلم و ستم خودشان را بپوشانند یا احیاناً برخلاف آنچه هست جلوه بدهند. یکی از دستاوردهای شهید نمر این بود که صدای مظلومیت مردم عربستان را به گوش مردم رسانید. این مجاهد توانست پرده تزویر آل سعود را بدرد و چهره کریه آل‌سعود را در سطح جهان به نمایش بگذارد. به نظر می‌رسد ما باید در انتظار یک وضعیت جدیدی برای آل‌سعود در سطح دنیا باشیم؛ چرا که به تدریج، افکار عمومی در سراسر جهان علیه آل‌سعود برانگیخته خواهد شد. به طوری که آل‌سعود را در جهان آنچنان منفور کند که نتوانند همچون گذشته آن رفتارها و آن عربده‌کشی‌ها و اعمال زورها و تزویرها را ادامه بدهند.

هدف آل‌سعود از سرکوب مقاومت جهانی و شهادت شیخ‌نمر

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی ادامه داد: آل سعود امروز خودش را در یک بن بستی می‌بیند که نمی‌تواند به مسیری هموار برسد. لذا دست به این‌گونه کارها می‌زند. سعودی‌ها در جهان امروز محکوم هستند و دیگر خبری از آن نفوذهای گسترده نیست. آل‌سعود یک وقتی ادعا داشتند سرنوشت منطقه را تعیین می‌کنند یا در عزل و نصب‌های کشورهای عربی دخالت دارند ولی امروز از این سیاست‌های دیکتاتوری هم خبری نیست و مردم منطقه از آنها استقبال نمی‌کنند. در یمن، سوریه و عراق یک انقلاب عجیب و گسترده‌ای در برابر همین ظلم‌ها صورت گرفته است. آن قهرمانی‌هایی که ارتش و نیروهای مردمی سوریه از خودشان نشان می‌دهند قابل وصف نیست. در عراق این‌ها انتظار داشتند که همه امور را به دست بگیرند و اصلاً تکلیف رژیم را خودشان مشخص کنند و نه مردم به صحنه بیایند و سرنوشت را تغییر دهند. البته رهبران گذشته سعودی درایت بیشتری داشتند، این قشر جدیدی که روی کار آمدند اصلاً قدرت پیش‌بینی و صبر بر امور را ندارند. این پیش‌بینی وجود دارد که نتوانند راهی به جایی ببرند و به زودی سقوط خواهند کرد.

پیش‌بینی وضعیت شیخ‌زکزاکی و علی سلمان

آیت‌الله اراکی افزود: هیچ‌یک از حاکمانی که الان در آذربایجان، بحرین و مناطق دیگر از ناحیه زور و تزویر وارد می‌شوند و علمای شیعی را زندانی می‌کنند از صدام قوی‌تر نیستند. صدام مگر با آن‌همه حمایت از سوی سازمان ملل و کشورهای غربی توانست دوام بیاورد؟! صدام به روزی افتاد که خود همین کشورها علیه صدام موضع گرفتند. سرنوشت این حاکمان هم بهتر از صدام نخواهد بود. قطعاً حکام مستبد تک رأی سبک سری که بخواهند با اعمال زور و شکنجه و زندان با مردم رفتار کنند به همین روزگار خواهند رسید.

شرایط رهبری شیعیان عربستان بعد از نمر

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی افزود: در جوامع شیعی هیچ‌گاه مشکلی در تشخیص رهبری نداشته ایم. به دلیل آنکه علمای ما با مردم در ارتباط هستند. متأسفانه برخی از روحانیون مذاهب و یا ادیان دیگر در کاخ‌ها به سر می‌برند! نه روحانیون ما در کلیساهای درب بسته زندگی می‌کنند که ارتباطی با جامعه نداشته باشند و نه در کاخ‌های شبه‌سلطنتی. لذا هرگاه رهبری شهید و یا به مرگ طبیعی از دنیا برود، صالحان دیگری هستند که به سرعت پرچم را به دست گیرند و مردم را رهبری کنند.

جایگاه شیخ‌نمر نزد مردم عربستان

آیت‌الله اعرافی نیز درباره شیخ نمر گفت: شیخ نمر از علمای برجسته جهان اسلام محسوب می‌شد که حضورش در منطقه شرقی عربستان یک حضور عالمانه و همراه با اثربخشی بالا بود. ایشان سخنرانی‌های بسیار جامع و تحلیلی داشتند و روح مقاومت در برابر ظلم و زیربار ظلم نرفتن بسیار در ایشان متجلی بود. جاذبه شیخ بخش عمده‌ای از جوانان را به ترویج مکتب تشیع رهنمون کرد. ضمن تأکید بر محرومیت‌ها و تبعیض‌هایی که از سوی سعودی‌ها بر جامعه شیعیان حاصل می‌شد در سخنرانی‌ها، بسیار مواضع روشن و شفافی داشت؛ البته ایشان از آن دسته علمایی بودند که به اهل‌سنت هم توجه داشتند. شیخ نمر باقرالنمر در مجموع یک عالم پارسا، شجاع و دارای زبان حق‌گو بود که موجب شد که رژیم آل‌سعود تأثیر در گفتار و کلام و جاذبه رفتار او را تحمل نکند.

نقش شیخ نمر در مقاومت جهانی

رئیس جامعۀ المصطفی العالمیه درباره نقش شیخ نمر در جبهه مقاومت اظهار داشت: این شهید بزرگوار در حقیقت مقابل زنجیره‌ای از ظلم، استبداد و اندیشه تکفیری که ریشه در آل‌سعود دارد ایستاده بود. البته پشتوانه اصلی این زنجیره هم استکبار جهانی و صهیونیزم جهانی است. بنابراین شیخ نمر را باید یک حلقه از زنجیره کلی مقاومت در برابر ظلم و احقاق حقوق مظلومان تبیین و معرفی کنیم.

شهادت شیخ نمر برای سرکوب مقاومت جهانی!

امام جمعه موقت قم تصریح کرد: آل‌سعود در واقع به ابزار اعمال قدرت استکبار در منطقه تبدیل شده است. اگر در پرونده آل‌سعود یک مروری داشته باشیم در چند بند می‌توان به جایگاه، هویت و ذات این خاندان پی برد؛ محور اول، سیاست‌های خارجی آل سعود است.

در سیاست‌های خارجی، آل سعود همیشه ابزاری در دست صهیونیزم، آمریکا و قدرت‌های ستم پیشه بوده است. در یکی دو دهه اخیر اگر کسی این پرونده را ورق بزند می‌بیند که مظالم، دخالت‌ها، لشکرکشی، اشغال و سرکوب آل سعود در بحرین واقعاً فاجعه بزرگی بوده و همین طور دخالت‌هایی که در سوریه، عراق و بسیاری از مناطق دیگر عالم دارد. محور دوم در پرونده آل‌سعود هماهنگی با سیاست‌های آمریکا و اسرائیل در جهان است. پایین آوردن قیمت نفت، خنجرزدن به مقاومت و روابط آشکار و پنهان با اسرائیل، گوشه‌ای از هماهنگی‌های آل سعود با سیاست‌های ضدمقاومت و همراهی با استکبار است.

محور سوم، شرایط داخلی آل سعود است؛ آل‌سعود اولاً در منطقه شرقی و در برابر اقلیت شیعه واقعاً بدترین خشونت‌ها را به کار بسته! ما کمتر شاهد هستیم که در جهان، اقلیتی آن‌قدر مورد ظلم قرار بگیرند و از حداقل حقوق شهروندی محروم باشند، متأسفانه فقط نسبت به شیعه این اتفاق افتاده است. ولی ظلم این‌ها نسبت به گروه‌های مختلف اهل‌سنت در داخل عربستان هم از نمونه‌ها و مصادیق زیادی است که باید به این پرونده تاریک افزود. بنابراین مجموعه این محورها را اگر کسی کنار هم بگذارد حلقه‌های بسیار سیاه و تاریکی هویدا می‌شود.

به نظرمن مهم‌تر از همه این‌ها محور چهارم است؛ عربستان پشتوانه تولید تئوری‌ها و تفکرهای دروغین تکفیر، ترور و اختلاف‌افکنی در امت اسلام است. این محور، ریشه بسیاری از فسادهایی است که امروز در جهان به منصه ظهور می‌رسد. از عجایب تاریخ این است که دولتی که در داخل از هیچ مشروعیتی برخوردار نیست، انتخاباتی در آن جا وجود ندارد و یک دولت پادشاهی و وابسته به قدرت‌های استکباری و ستمکار عالم است ادعای ائتلاف ضدترور دارد! من فکر می‌کنم اگر کسی به محتوای این پرونده توجه کند جایگاه شیخ نمر و همه مبارزین شیعه و سنی را در این کشور را خواهد شناخت.

تأثیر شهادت نمر بر تحولات جبهه جهانی مقاومت

رئیس جامعۀ المصطفی العالمیه ادامه داد: تجربه‌ای که در طول تاریخ انقلاب و مقاومت در منطقه داریم این است که شهادت شهیدان هیچ‌گاه موجب توقف و رکود حرکت طوفنده مقاومت و مبارزه نشده است، بلکه شهادت و تنگناهایی که در این زمینه بر مبارزان و مجاهدان خدا تحمیل می‌شود موتور محرک و انرژی جدیدی را در مقاومت برای مجاهدان ایجاد می‌کند.

ما امیدواریم خون پاک این شهید و سایر شهدای مقاومت در عرصه بین الملل اسلامی موجب شکست استکبار و مزدورانشان در منطقه و همین طور افول جریان‌های تکفیری و تروریستی در منطقه بشود و خورشید پیروزی گفتمان انقلاب اسلامی و اسلام ناب و اسلام وحدت‌آفرین به فضل الهی، طلوع کند.

آیت‌الله اعرافی تصریح کرد: بدون تردید در عربستان و سراسر منطقه، این شهادت می‌تواند موجب بیداری و آگاهی روزافزون شود.

رئیس جامعۀ المصطفی العالمیه به این پرسش که «برخی از علما هم در حصر و حبس هستند مثل شیخ زکزاکی در نیجریه، حاج وقار اسکندراف عالم آذربایجانی و شیخ علی سلمان روحانی انقلابی بحرین؛ به نظرشما با توجه به این اتفاق چه اتفاقاتی برای آن علما خواهد افتاد؟» پاسخ داد: این شهادت و فشارهایی که امروز در جریان گفتمان انقلاب اسلامی و اسلام ناب تحمیل می‌شود در عین اینکه تجری این قدرت‌های ستمکار را نشان می‌دهد نشان‌دهنده پیشرفت آن گفتمان و انفعال مخالفان در برابر جریان حق است. آنچه ما امروز در نیجریه، یمن، عراق، سوریه و خیلی از کشورهای دیگر می‌بینیم در حقیقت صف‌آرایی سپاه شیطان در برابر حق است و نشان از ضعف این‌ها است. قطعاً آینده به گونه‌ای رقم خواهد خورد که رژیم‌های مستبد، پادشاهی و این افکار تکفیری و تروریستی شکست خواهند خورد.

*** آیت‌الله اعرافی: تجربه‌ای که در طول تاریخ انقلاب و مقاومت در منطقه داریم این است که شهادت شهیدان هیچ‌گاه موجب توقف و رکود حرکت طوفنده مقاومت و مبارزه نشده است، بلکه شهادت و تنگناهایی که در این زمینه بر مبارزان و مجاهدان خدا تحمیل می‌شود موتور محرک و انرژی جدیدی را در مقاومت برای مجاهدان ایجاد می‌کند.**

شعر مقاومت

زوزه گرگ‌های حجاز

ز سوی کعبه بلند است شعله‌های شرر
ز فتنه‌های سعودی رسیده باز خبر

شبی که زوزه کشیدند گرگ‌های حجاز
به حقد و کینه دریدند جان شیخ نمر

شهید شد ز تعصب، ز غیرت دینی
چو بوده آمر معروف و ناهی منکر

ز خون بی‌گنهان هم خدا نمی‌گذرد
نهال کرب‌و بلا بین چگونه داده ثمر

سزد تمدن اسلام را دوباره نوشت
بدون نام سعودی، بدون خون جگر

به سرخی دم شیخ حجاز گشته افق
مجال شب به سر آمد، رسید فجر ظفر

بشارت اهل حرم را که پاک می‌گردد
صفا و مروه و زمزم ز آن نجاست شر

شود شهادت «باقر» زمینه‌ساز ظهور
خدا کند که بیاید عزیز ما ز سفر

بیا شود شب هجران ما دوباره سحر
بیا که بتکده گردیده کعبه بار دگر

بیا به اذن خدا با ردای ابراهیم
به سوی مسجد و بشکن سر بتان به تبر

هزار لعنت و نفرین و سب به آل سعود
هزار رحمت حق بر «شهید شیخ نمر»

■ علی‌اکبر برادری

یک شهید، یک خاطره

می‌خواهم شهید شوم

مریم عرفانیان

با حرفش دلم تهی شد که گفت: «از این به بعد شما رو مادر شهید براتی صدا می‌کنم.»

سکوتم را که دید ادامه داد:

- «ناراحت نشو مادر جان! خواستم شما رو امتحان کنم؛ البته دفعه قبل قرار بود با هواپیما برگردم که نشد، ولی این دفعه حتماً با هواپیما می‌آیم.»

در لحظه رفتن، سر در گوش پدرش نهاد و چیزی گفت. پدرش دست به آسمان بلند کرد و گفت:

-«راضی‌ام به رضای خدا.»

***

روزها بعد پدرش گفت:

- «فاطمه خانم! فهمیدی که پسرمان موقع رفتن در گوشم چه گفت؟»

گفتم:«نه!»

پدرش ادامه داد:

- «احمد گفت می‌خواهم شهید شوم، شما راضی هستید یا نه؟ من هم گفتم راضی‌ام به رضای خدا.»

***

درست همان طور که خودش گفته بود، جنازه‌اش را با هواپیما به مشهد آوردند.

***

خاطره‌ای از شهید احمد براتی
راوی: فاطمه بهار توبه، مادر شهید

زمینه‌های ایدئولوژیک قتل شیعیان نیجریه و ترور سمیر قنطار

«آنها فقط مشتی برده سیاه بودند!»

■ سعید مستغاثی

در صحنه‌ای از فیلم آمیستاد (استیون اسپیلبرگ-۱۹۹۷) که درباره ربودن و بردن سیاهان آفریقا به قاره آمریکا و به برده کشاندن آنهاست، در دادگاهی که به اتهام یکی از سیاهپوستان به اتهام شورش در کشتی موسوم به آمیستاد تشکیل شده، موضوع قاچاق و به دریا ریخته شدن گروهی از آنها متوجه یکی از تاجران برده می‌شود و اینکه چرا با به زنجیر کشیدن دسته جمعی آن سیاهان، موجب غرق شدن همگی شان شده است. وی در پاسخ دادگاه یاد شده، تنها یک جمله می‌گوید :

«آنها فقط مشتی برده سیاه بودند!»

در روزهای اخیر نیز که ماجرای اسف‌انگیز و جنایت بارانه حمله ارتش نیجریه به شیعیان این کشور رخ داد و موجب جان باختن صدها تن از مسلمانان شیعه گردید، بازهم آن سوال تاریخی این بار از محافل به اصطلاح حقوق بشری و مدعی آزادی پرسیده شد که چرا هیچ موضع و عکس العمل و اعتراضی نسبت به جنایت فوق نشان ندادند؟! اگرچه پاسخی از سوی این محافل شنیده نشد اما گویا همان جواب تاجر برده دادگاه آمیستاد در قرن هیجدهم به گوش رسید که : «آنها فقط مشتی برده سیاه بودند!» واقعا آن عملکرد مشترک و این پاسخ یکسان از کدام تفکر و اندیشه و ایدئولوژی منشأ می‌گیرد؟ کدام زمینه تاریخی، چنین کارنامه همسانی را در میان نمایندگان جماعت اشراف یک سرزمین با فاصله سه قرن، باقی می‌گذارد؟ چه عناصر فکری در طول ۴۰۰-۳۰۰ سال همچنان حاکمیت گروهی بر کشوری را با خصوصیات غیرانسانی واحد و یکسان موجب گردیده است؟ بایستی نقبی به تاریخ سه،چهار قرن اخیر زد:

هنوز آوازه رنسانس و جنبش روشنگری و علم گرایی و نهضت به اصطلاح اصلاح دینی، اروپای قرون شانزده و هفده را در نوردیده بود که نخستین تهاجمات کشورهای مدعی رنسانس همچون انگلیس و پرتغال و هلند و ... به سرزمین‌های دیگر از شرق آسیا گرفته تا شمال آفریقا و غرب آمریکای لاتین، آغاز شد و درپی آن برده داری و تجارت برده اوج گرفت. تجارتی که در واقع و در اصل مسلمانان را هدف قرار داده بود که جمعیت بخش مهمی از قاره سیاه را تشکیل می‌دادند. هنوز در کشورهایی مانند سنگال و شهرهایی همچون داکار در قلب قاره سیاه، آثار تاسف برانگیز و تکان‌دهنده آن روزهای تاریک باقی مانده است. تجارتی که بنا بر برخی مکتوبات و اسناد تاریخی تا ۲۰۰ میلیون قربانی برای آفریقا باقی گذارد و به عنوان لکه ننگی در تاریخ غرب جدید و در کنار ادعاهای رنسانسی آنها ثبت شد.

طرفه آنکه اصلی‌ترین تجار برده و برده داران از جماعت اشراف یهود و خاندان‌های معروف این اشراف مانند روچیلدها و ساسون‌ها و مونتاگ‌ها و... بودند و اصلی‌ترین قربانیان آن، سیاهان مسلمان بودند.تجارت خبیثانه‌ای که در پی دیگر تحرکات ضد اسلامی غرب پس از رنسانس نضج گرفت مانند لشکر کشی‌های امثال آلبوکرک و جنایات فاجعه بار او و افرادش در جنوب غربی آسیا و در همین ساحل جنوبی سرزمین خودمان و قتل عام‌های امپراتریس روسیه تزاری در عثمانی و ایران و قاچاق الماس و تریاک و ... به گواهی تاریخ و مکتوبات و مستندات منابع غربی، سردمداران و بانیان و معاریف رنسانس و جنبش روشنگری و نهضت به اصطلاح خردگرایی، در اوج نوشتن کتب عقل گرایانه خویش برای زندگی بهتر بشری و تدوین اولین اعلامیه حقوق شهروندی و برابری و برادری انسان‌ها، هیچگاه نتوانستند اندیشه‌های نژادپرستانه خویش را پنهان نموده و ناگزیر در همان مکتوبات به اصطلاح آزادیخواهانه نیز بدان اشاره نمودند و این نه به دلیل شرایط و فضای جاری و مصالح روز بود بلکه اساسا خاستگاه تاریخی و ایدئولوژیک این حضرات از تفکر و اندیشه‌ای نشات می‌گرفت که از دیرباز ماهیتا نژادپرست و سرمایه سالار و ضد بشر نشان می‌داد. عضویت اغلب سرکردگان به اصطلاح علم گرا و خردگرای جنبش روشنگری در تشکیلات مخوف فراماسونری، به خوبی وابستگی فکری و ایدئولوژیک آنها را نشان می‌داد. امثال اسحاق نیوتن و فرانسیس بیکن و ژان ژاک روسو و جان میلتون و لئوناردو داوینچی و ...همگی عضو انجمن فراماسونری آکادمی علوم طبیعی سلطنتی انگلیس بودند که بعدا به کالج نامریی (Invisible Collage)تغییر نام داد.

برده داران حقوق بشری و دموکرات!

اما برای اینکه دریابیم نسبت نویسندگان و نظریه پردازان رنسانس اعم از دست اندرکاران جنبش روشنگری و نهضت خرد گرایی مانند اصحاب دایره المعارف فرانسه (که از تدوین گران اولین بیانیه و اعلامیه حقوق بشر هم بودند) با نژادپرستی و برده‌داری چه بوده، نگاهی می‌اندازیم به نظریات یکی از صاحب نام‌ترین آنها یعنی «مونتسکیو» که نویسنده یکی از محوری‌ترین کتاب‌های به اصطلاح علمی و عقلانی درباره آزادی و برادری و برابری و حقوق بشر و ... بوده به نام «روح القوانین».

نزدیک به نیمه‌های سده ۱۸ میلادی بود که مونتسکیو کتاب معروف «روح القوانین» را به پایان رسانید و در آن کتاب پیرامون حقوق طبیعی، لزوم آزادی و برابری و برادری، جدایی قوا، قانون اساسی، حکومت مشروطه و پارلمانی داد سخن داد و بدینوسیله نام خویش را در تاریخ اندیشه‌های نو سیاسی پایدار ساخت.

ویل و آریل دورانت آمریکایی در یک جا از قول ولتر، مونتسکیو را ضد بردگی نشان می‌دهند و در جای دیگر نویسندگان یاد شده خود مستقیما یا اشاره به کتاب پانزدهم، فصل پنجم از «روح القوانین» ادعا می‌کنند که مونتسکیو بردگی را سخت محکوم ساخته است. دایره المعارف آمریکا هم به خوانندگان خود این گونه می‌آموزد که یکی از علت‌های جنبش‌های ستیز با بردگی، نوشته‌ها و آموزش‌های فیلسوفان عصر روشنگری مانند مونتسکیو بود.

ولی به رغم آن همه سخن مونتسکیو پیرامون آزادی و حقوق بشر و به رغم آنکه ولتر و دیگران از او به عنوان دشمن بردگی یاد کرده‌اند، مونتسکیو نه تنها سخنان چندان درخور مقام انسانی بردگان سیاهپوست نگفته که درست به روشنی بر ضد آنها داد سخن داده است.

شگفتا که سخنان مونتسکیو در لزوم برده گیری در همان کتاب پانزدهم و فصل پنجم از کتاب «روح القوانین» درج شده که دورانت‌ها با استناد به آن، به خوانندگان خود در سراسر جهان به ناروا می‌گویند که مونتسکیو « با یک حمیت اخلاقی همراه با طعنه‌های تلخ، بردگی را زشت و ننگین خوانده».

حالا ببینیم مونتسکیو در همان بخش از کتاب خود چه می‌گوید:

«...اروپاییان پس از آنکه (بومیان) آمریکایی را ریشه کن ساختند، ناچار بودند که آفریقایی‌ها را به بردگی کشند تا بتوانند آن سرزمین پهناور را (برای کشت و کشاورزی) آماده سازند...»

مونتسکیو به نحوی این سخنان را جاری می‌سازد که خواننده، ناچاری و ناگزیری اروپاییان برای به برده کشاندن سیاهپوستان را درک نمایند، چراکه قرار بوده با نیروی آنها «کارهای پرارزش و حیاتی و بنیادی» برای کشت و کار زمین‌های وسیع آمریکا صورت گیرد!

سخنان مونتسکیو به همین جا پایان نمی‌پذیرد و مدعی می‌شود که:

«... اگر گیاهانی که تولیدکننده شکر است، به وسیله جز بردگان کشت شود، شکر بسیار گران تمام خواهد شد...»!!

او حتی برده شدن آفریقاییان را ناشی از سرشت طبیعی آنان به شمار می‌آورد:

«... این موجودات که یکسره به رنگ سیاه هستند با چنان بینی پهن، کمتر می‌توانند مورد ترحم قرار گیرند. بسیار سخت است که بدان باور شویم که خدا که موجودی خردمند است، باید در چنین اندام سیاه و زشتی، روان، بویژه روانی پاک دمیده باشد...»!!! (مونتسکیو- روح القوانین- جلد ۱۵ - فصل ۵- صفحه ۲۵۸ و ۲۵۹)

مونتسکیو سپس برای اثبات دعاوی خود مثل دیگر هم پالکی هایش از مسیحیت تحریف شده نیز کمک گرفته و در همانجا می‌نویسد:

«...برای ما محال است که فرض کنیم که این موجودات، انسان هستند، زیر اگر آنان را انسان بدانیم، این سوء ظن پدید می‌آید که پس ما دودمان مسیحی نیستیم...»!

این گونه بهره کشی سرمایه داران و استعمارگران از مردم مظلوم و زحمتکش را از روشنگری و آزادی و برادری و برابری انسان‌ها جدا دانستند و توجیه جنایات استعمارگران در غارت مادی و معنوی سرزمین‌های دیگر را مشروع به حساب آوردن، تنها از ویژگی‌های مونتسکیو نبود، تفکر نژادپرستانه (که فقط به سیاهپوستان منحصر نشده و سایر ملل غیرغربی را نیز دربر می‌گرفت) در بسیاری دیگر از معروفترین روشنگران نیمه دوم قرن ۱۸ فرانسه به خصوص اصحاب دایره المعارف فرانسه مانند دیدرو و دالامبر و ولتر نیز وجود داشته و در تاریخ به ثبت رسیده است.

آدام اسمیت از فیلسوفان و اندیشمندان عصر روشنگری انگلیس که در زمینه مبارزه با بردگی و استعمار، معروف شد، بردگان را با چهارپایان می‌سنجید و می‌گفت همان گونه که سود بردن و کامیابی در کشت و کاری که به وسیله چهارپایان انجام می‌گرفته، با اداره درست و منظم امور آنها بستگی داشته، سود بردن و کامیابی در کاری که بردگان می‌کنند نیز باید با شیوه اداره درست و منظم امور بردگان بستگی داشته باشد!

پس دور از انتظار نبود که اخلاف این به اصطلاح روشنگران و آزادیخواهان و قانون گذاران حقوق بشر و شهروندی، در طی قرون بعد فجیع‌ترین جنایات تاریخ بشر را در اقصی نقاط جهان مرتکب شوند و بر آن مهر حقوق بشر بزنند! چه زمانی که با بمب ناپالم، توکیو را به آتش کشیدند و صدها هزارتن را در آتش سوزاندند، چه زمانی که با فاکتور نارنجی، هر نوع زندگی را در روستاها و شهرهای ویتنام نابود ساختند تا امروز نتیجه آن سبوعیت تاریخی، بچه‌های ناقص الخلقه و معلول باشد، چه زمان دیگری که با کودتاهای نظامی پی در پی به سرکوب مردم کشورهای دیگر پرداختند و چه وقتی که با اشغال سرزمین فلسطین، نطفه مهیب‌ترین تروریسم تاریخ را بنیاد نهادند و ... و چه امروز که با حمایت و پشتیبانی و لجستیک تروریست‌های اجاره ای، وحشیانه‌ترین جنایات تاریخ معاصر را مرتکب می‌شوند.

دور از انتظار نبود که زمانی در اواخر دهه ۶۰ میلادی، عنصر تبهکاری همچون اشرف پهلوی، رئیس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل می‌شود و زمان دیگر جنایتکارانی مانند مناخیم بگین و اسحاق رابین و ...جایزه صلح نوبل می‌گیرند و زمان دیگر قصابی و نسل کشی مسلمانان در میانمار توسط به اصطلاح صلح طلبان بودایی، مبارزه آرام و غیرخشونت آمیز لقب می‌گیرد!

و کشتار شیعیان نیجریه یکی از همین جنایات وحشیانه اخیر است که بازهم توسط تروریست‌های اجاره‌ای (این بار با نام ارتش این کشور) صورت می‌گیرد. طرفه آنکه اخلاف همان روشنگران رنسانسی و اصحاب دایره المعارف فرانسه و تدوین گران اعلامیه حقوق بشر در سازمان ملل، در حالی که شیعیان مظلوم نیجریه به فجیع‌ترین وضع سلاخی شده اند، با صدور قطعنامه ای، نقض حقوق بشر را در ایران محکوم می‌کنند!

سکوت مرگبار جامعه به اصطلاح جهانی دربرابر جنایت نیجریه آنقدر ابلهانه و حماقت بار بود که حتی صدای برخی رسانه‌های غربی را هم درآورد که آیا سیاهپوستان مسلمان نیجریه، حقوقی نداشتند یا اساسا بشر نبودند؟!

اگر به نوشته‌های مونتسکیو در کتاب معروف «روح القوانین» بازگردیم متوجه می‌شویم که گزینه دوم صحیح است. مونتسکیو، بومیان آمریکا و سیاهان آفریقا را وحشیانی می‌دانست که از انسانیت و بشریت دور بوده و اساسا اگر به چنین هیبتی آفریده شده‌اند، از آن رو بوده که مغضوب خداوند قرار گرفته اند!این نگاه قرون وسطایی و نژادپرستانه در عمق تفکر غربی و سیستم سیاسی و فرهنگی غرب جدید تنیده شده، به طوری که اجزاء و ابعاد مختلف این سیستم و اخلاف و نمایندگان آن، به هیچوجه قدرت رهایی از آن را ندارند!!

یادمان باشد که جان لاک (از طراحان جامعه مدنی و تدوین گران قانون اساسی آمریکا به عنوان مصداق عملی آزادی و حقوق بشر) خود از برده‌داران و سرمایه داران بزرگ بود و آدام اسمیت از فیلسوفانی که برای اولین بار تجارت استعمارگرانه را مورد انتقاد قرار داد و در کتاب «ثروت ملل»، بارها و بارها بر ضد بردگی و استعمار سرزمین‌های آن سوی دریاها، سخن راند اما در کتاب «خشم ملت ها»، مردم سراسر سرزمین‌های جهان نو یعنی قاره آمریکا را «وحشیان برهنه و نکبت بار» خواند!! از همین روست که ترور ناجوانمردانه مبارز نستوه، سمیر قنطار توسط تروریسم افسار گسیخته صهیونی را ترور به شمار نمی‌آورند اما دفاع مشروع ملتی از سرزمینش را ترور محسوب می‌کنند. از همین روی سردسته تروریست‌های اجاره‌ای و تکفیری امروز یعنی سلمان سعودی، قتل عام شیعیان نیجریه را تایید می‌کند و از همین روی ایران که تاکنون حتی یک نفر در میان تروریست‌های داعش نداشته (در مقابل هزاران انگلیسی و فرانسوی و هلندی و ایتالیایی و اهالی دیگر کشورهای اروپایی در میان داعشیان) در جمع کشورهایی قرار می‌گیرد که سفر به آن خطرناک توصیف می‌گردد!